

استعدادهای درخشان و آموزش عالی



یوسف محب زادگان*

جامعه و به خصوص استعدادهایی که در دبیرستان مورد شناخت قرار گرفته‌اند و اکنون به دانشگاه‌ها روی آورده‌اند، چیست و چه اقدامات و تسهیلاتی لازم است در دانشگاه‌ها در جهت تضمین پیشرفت و موفقیت این دسته از دانشجویان انجام گیرد.

پاسخ این سؤال این است که اصولاً آموزش عالی برای دانشجویان با استعداد است و بررسی وضعیت دانشگاه‌ها در کشورهای دیگر مبین این واقعیت است که معمولاً جامعه توان تأمین هزینه‌های سنگین دانشگاهی را برای همه متقاضیان ورود به دانشگاه ندارد و اگر هم داشته باشد این امر قابل توجه و به مصلحت نیست. در این مؤسسات آموزشی، تنها جوانانی باید تحصیل کنند که ظرفیت و استعداد بالایی آنان بتواند پاسخگوی هزینه‌هایی باشد که جامعه از افراد تحصیل کرده برای توسعه و پیشرفت اقتصادی اجتماعی و اخلاقی دارد، بنابراین اگر در دانشگاه‌ها گروهی به غیر از استعدادهای درخشان یافت شود، نظام گزینش دانشگاهی مورد سؤال قرار می‌گیرد. به این ترتیب، فکر جداسازی دانشجویان مستعد و ارائه خدمات ویژه برای این دسته از دانشجویان که برخی مدافع آنند موضوعیت خود را از دست می‌دهد. بدیهی است که ایجاد تسهیلاتی در دانشگاه‌ها برای دانشجویان سرآمد که با داشتن شرایط و امکانات ویژه قادر باشند دوره دانشگاهی را در زمان کوتاه‌تری به پایان رسانند و یا به طور همزمان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد را طی کنند، قابل دفاع است. در همین زمینه

مسأله پرورش استعدادهای درخشان و تأمین برنامه‌های آموزشی خاص برای کودکان و نوجوانانی که در مقایسه به هم کلاسی‌های خود توانایی‌های ذهنی پیش رس یا کامل‌تری دارند و از بهره هوشی بالاتر از حد متوسط برخوردارند، در بسیاری از کشورها مطرح بوده و با توجه به ارزش‌های رایج جوامع، عقاید متضادی را برانگیخته است.

به بیانی دیگر، در حالی که مسئولان آموزش و پرورش برخی از جوامع، به دلیل نقش مهمی که کودکان تیزهوش می‌توانند در رشد و توسعه علمی و اقتصادی جامعه داشته باشند و نیز به دلایل انسان دوستانه، نظر مثبتی نسبت به آنان دارند و آموزش و پرورش برگزیده و خاصی را برای این کودکان فراهم می‌کند، در برخی از دیگر جوامع، سرمایه‌گذاری و توجه فراوان به کودکان تیزهوش را مغایر با اهداف برابری اجتماعی دانسته و آن را نوعی نخبه‌گرایی می‌پندارند. طرفداران این طرز فکر، توجه به تیزهوشان را به عنوان حق طبیعی برتر بودن آنان مردود می‌شمارند و معتقدند که دخالت‌های آموزشی و تربیتی، باید به نفع کودکان عقب مانده تحصیلی و کسانی انجام گیرد که نیاز بیشتری به حمایت دارند. (بازرگان، زهرا، «کودک تیزهوش و دیگران»، نشریه انجمن اولیا و مربیان، فروردین ۱۳۷۳، ص ۱۶)

سؤالی که برای بسیاری از افراد مطرح است این است که نقش آموزش عالی، به عنوان بنیادی که باید الگو دهنده اخلاق و پشتوانه فعالیت‌های علمی و صنعتی کشور باشد، در حمایت و شکوفایی استعدادهای درخشان

از آموزش عالی انتظار می‌رود با مطالعه و تحقیق در زمینه مسائل مربوط به آموزش عمومی کشور و کمبودها و نارسایی‌های آن، در حل مسائل و ایجاد تغییر و نوآوری به صورت همیاری با سایر بنیادهای آموزشی جامعه، سهم خود را ادا کند



با این که مدارس و مراکزی که دانش‌آموزان را در ایران آموزش می‌دهند غالباً از کادر آموزشی با تحصیلات و تجربیات قابل توجه برخوردارند، اما معلمان فوق در مورد نیازها و انتظارات ذهنی و عاطفی دانش‌آموزان تیزهوش و چگونگی انطباق دادن روش‌های تدریس و برخورد با آنان، آموزش جامعی دریافت نداشتند.

با توجه به اینکه هر کسی قادر نیست به اداره کلاس استعدادهای درخشان و پرورش قابلیت‌های آنان بپردازد و تعلیم و تربیت این افراد تیزهوش خصوصیات و توانایی‌های ویژه معلم مانند برتری ذهنی، همدردی، همفکری، پذیرش، قابلیت فراگیری مطالب، قابلیت انعطاف، ظرفیت برخورد با پیچیدگی، بردباری و غیره را می‌طلبد، لذا کمک دانشگاه‌ها می‌تواند در زمینه تعیین معیارهایی در انتخاب معلمان شایسته، همکاری با نهادهای مربوط به تأمین و تربیت نیروی انسانی در آموزش انسانی در آموزش و پرورش در جهت انتقال و تبادل جدیدترین پژوهش‌های علمی در زمینه روش‌های یاد دهی - یادگیری مؤثر باشد.

۵. انجام پژوهش‌ها با مشاهدات سیستماتیک و ارائه طرح‌ها و برنامه‌های حمایتی نه تنها برای کودکان و نوجوانان مستعد، بلکه همه دانش‌آموزانی که به علت فقدان این نوع برنامه‌ها، نمی‌توانند از فرصت‌های آموزشی و پرورشی در مدرسه در حد مطلوب استفاده نمایند. در این زمینه می‌توان از دانش‌آموزان استثنایی که به علت نارسایی‌های جسمی یا ذهنی، محدودیت‌هایی در یادگیری دارند، دانش‌آموزان با مشکلات خاص (دیرآموز، بی‌قرار، کم‌انگیزه و...) دانش‌آموزان مناطق محروم که به علت کمبودهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اولیای خود، بیش از دیگران در معرض عقب ماندگی‌های تحصیلی قرار دارند، نام برد.

با توجه به اینکه شناخت استعدادهای درخشان کشور و ارائه راهکارهای کارآمد برای پرورش توانایی‌های آنان از ضروریات استقلال فرهنگی و علمی هر ملتی است و نقش مؤثر نیروهای انسانی با استعداد، خلاق و نخبگان فکری در توسعه پایدار کشور امری غیر قابل انکار است و با توجه به تغییر و تحولات سریعی که در عصر علم و فناوری در انواع زمینه‌ها انجام می‌گیرد لذا در عصر پیشرفت علم، حیات جوامع بشری بر مبنای اندیشه استوار است و متفکران و دانشمندان هر جامعه به مثابه سلول‌های مغزی همان جامعه در تولید فکر و دانش نقش اساسی دارند و برای زنده نگهداشتن و پرورش سالم آنان لازم است در پرورش و حفظ متفکران و استعدادهای فکری درخشان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کنیم. انجام این مهم به ویژه در جامعه ایرانی که اثبات تمدن باستانی‌اش، مفاخر علمی و فرهنگی‌اش، دانشمندان تأثیر گذارش و استعدادهای درخشان‌ش بی‌نیاز از مثال و توضیح است، از اهمیت خاصی برخوردار است.

باید در نظر داشت که فقدان سیستم تربیتی و سازمان متولی مناسب امور استعدادهای درخشان در آموزش عالی سبب شده است که در کشورهای در حال توسعه (از جمله کشور ایران) از پتانسیل اندیشه استفاده سرشار به

می‌توان برای جذب هر چه بیشتر دانشجویان مستعد و جلوگیری از فرار مغزها، دانشکده‌ها را بر اساس رشته تخصصی از نظر کادر علمی، امکانات آموزشی و به خصوص پژوهشی، به صورت دانشکده‌های پرجاذبه در آورد، به طوری که هر دانشکده با داشتن وجهه در رشته‌ای خاص، به صورت مرکزی مورد تقاضا برای آموزش و تحقیق دانشجویان مستعد و علاقمند به آن رشته گردد. قدمی دیگر در حمایت از دانشجویان مستعد، ایجاد انجمن‌های علمی و پژوهشی در دانشگاه با عضویت این قبیل دانشجویان و نیز ایجاد نظام راهنمایی فردی است.

اما انتظار جامعه از آموزش عالی، به مراتب فراتر از ارائه خدمات تخصصی به تعداد محدودی از دانشجویان است، زیرا این امر به طبقه‌بندی مصنوعی دانشجویان و ایجاد دانشگاهی در دانشگاه می‌انجامد که نتیجه آن، به اعتبار آموزش عالی در کشور لطمه وارد می‌آورد. هنگامی که گرایش همه جوامع در جهت حذف گروه بندی‌ها و یکپارچه‌سازی آموزش و پرورش است، آموزش عالی در صورت اینگونه جدا سازی باید مسئولیت عواقب اجتماعی آن را به عهده گیرد.

از آموزش عالی انتظار می‌رود نقشی به مراتب وسیع‌تر در روند تعلیم و تربیت جامعه و در تحول آن به عهده داشته باشد. با این که جداسازی آموزش ابتدایی و متوسطه با آموزش عالی از نظر سازمانی قابل توجیه است، اما لازم است که وحدت فرایند آموزش و پرورش به آستانه مطلوبی رسیده باشد. به این ترتیب، همکاری نزدیک کادر علمی و آموزشی دانشگاه‌ها و مدارس، برای تضمین کیفیت آموزش و پرورش دانش‌آموزان، ضروری است. از آموزش عالی انتظار می‌رود با مطالعه و تحقیق در زمینه مسائل مربوط به آموزش عمومی کشور و کمبودها و نارسایی‌های آن، در حل مسائل و ایجاد تغییر و نوآوری به صورت همیاری با سایر بنیادهای آموزشی جامعه، سهم خود را ادا کند.

برخی از اقدامات آموزش عالی در همکاری با آموزش و پرورش که متناسب با مسئولیت عظیم این بنیاد آموزشی است، عبارتند از: (بازرگان، زهرا، نقش آموزش عالی در شکوفایی استعدادهای درخشان، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۵، صص ۲۷-۲۵)

۱- انجام مطالعات و تحقیقات توسط هیات علمی دانشگاه‌ها به صورت پژوهش‌های ضمن عمل در همکاری با معلمان مدارس برای ایجاد شرایط مطلوب آموزش و پرورش در مدرسه به منظور تشخیص به موقع و دقیق دانش‌آموزان مستعد.

۲- انجام مطالعات و بررسی مؤثرترین روش برای آموزش کودکان و نوجوانان مستعد و طرح و تدبیر امکانات آموزشی مناسب با این روش‌ها. در این مورد، لازم است که از میان طیف گسترده اقدامات حمایتی برای کودکان و نوجوانان مستعد بررسی گردد که چه برنامه‌ای می‌تواند با توجه به ارزش‌ها، امکانات جامعه و ظرفیت و توانایی دانش‌آموزان مناسب‌تر باشد.

۳- ارائه دوره‌های آموزشی تخصصی در رشته‌های مختلف علمی (ریاضی، فیزیک، بیولوژی) در دانشگاه توسط استادان و متخصصان برای استفاده دانش‌آموزان تیزهوش دوره متوسطه. در این مورد، کمک دانشگاه از نظر فضا، کادر تخصصی و امکانات آموزشی، می‌تواند مکمل خدمات ارائه شده در دبیرستان‌ها باشد.

۴- همکاری دانشگاه‌ها با مراکز تربیت معلم و اداره کل آموزش ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش در تنظیم برنامه‌های آموزشی برای معلمان و دبیران در جهت ایجاد تحول عمیق در نگرش مربیان در زمینه روش‌های برخورد با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در کلاس و مدرسه.

عمل نیاید و علی‌رغم اینکه بخش عمده‌ای از اندیشه‌ها و نیروهای فکری کشورهای صنعتی ریشه در کشورهای در حال توسعه دارد متأسفانه در خود این جوامع اقدام اساسی و منظم در این خصوص انجام نمی‌شود.

در مطالعه‌ای که در بین سه گروه از متخصصان مقیم در داخل کشور، متخصصان عازم به خارج از کشور و متخصصان مقیم در خارج از کشور انجام شده، روشن شده است که: «(رسانه‌ها و استعدادهای درخشان)» مجله استعدادهای درخشان، سال یازدهم، شماره ۲، ۱۳۸۱ صص ۲۰۱-۲۰۳

۱- مهمترین عوامل دافعه اجتماعی برای نخبگان عبارت‌اند از: عدم اطمینان نسبت به آینده، احساس محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، ناکارآمدی‌های مدیریتی، کم‌توجهی به ملاک‌های شایستگی در جذب و اشتغال، سلیقه‌ای بودن نظام‌گزینی و اداری، مشکلات نظام وظیفه و ترغیب خانواده‌ها و دوستان برای خروج از کشور؛

۲- مهمترین عوامل دافعه سیاسی عبارت‌اند از: احساس ناامنی سیاسی و فکری متخصصان، احساس بی‌ثباتی در مدیریت سیاسی، بحران‌های پی‌در پی در مدیریت سیاسی و تغییرات در قوانین و مقررات؛

۳- مهمترین عوامل دافعه علمی و فرهنگی عبارت‌اند از: ضعف مدیریت و فضای علمی در بخش‌های مختلف کشور، کمبود امکانات برای پژوهش، غلبه حوزه‌های سیاسی بر حوزه‌های علمی و فرهنگی در اولویت‌گذاری‌ها و کم‌توجهی به شان علم، عالم و مراکز علمی و دانشگاهی در سطح

مسئولان و نظام برنامه‌ریزی کشور؛

۴- مهمترین عوامل دافعه اقتصادی و معیشتی عبارت‌اند از: میزان درآمد اندک و احساس تبعیض اقتصادی، عدم تناسب درآمد با تخصص، بیکاری متخصصان و دانش‌آموختگان، کمبود فرصت‌های شغلی مناسب و ضعف امنیت شغلی متخصصان.

همچنین در تحقیقی با عنوان بررسی علل مهاجرت متخصصان برق و کامپیوتر بین ۲۰۳ نفر از دانشجویان مهندسی کامپیوتر و برق دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف انجام شده نتایج زیر حاصل شده است: (ابراهیمی، یزدان؛ طرح پژوهشی بررسی علل مهاجرت متخصصان برق و کامپیوتر کشور، سال ۱۳۸۱).

۱- دافعه‌های اقتصادی مهمترین عامل ترک ایران است که مهمترین شاخص‌های آن مواردی مانند نبود ثبات شغلی، درآمد پایین، رقابت اقتصادی ناسالم و غیره می‌باشد؛

۲- پس از مشکلات اقتصادی مشکلات علمی و آموزشی دانشگاه‌ها، مشکلات فرهنگی و اجتماعی و مشکلات سیاسی در رده‌های بعدی اولویت قرار دارند؛

۳- از نظر پاسخگویان وضع اقتصادی کشورهای توسعه یافته تقریباً سه برابر بهتر از وضع اقتصادی ایران است؛

۴- ۷۴ درصد پاسخگویان، بازار کار رشته تحصیلی خود را در کشورهای توسعه یافته خوب و ۲۲ درصد متوسط دانسته‌اند؛

۵- دانشجویان تصور می‌کنند با افزایش تحصیلات بازار کار بهتری در خارج از کشور وجود خواهد داشت اما در ایران به رغم افزایش تحصیلات وضع بازار کار آنها تغییر محسوس نخواهد داشت؛

۶- دانشجویان در پاسخ به این پرسش که «اگر امکانات و تسهیلات خروج از کشور مهیا شود آیا مهاجرت خواهند کرد؟» گفته‌اند:

الف) حتماً ۴۰ درصد (ب) به احتمال زیاد: ۳۶ درصد؛

ج) به احتمال کم: ۷/۵ درصد؛ (د) اصلاً ۹ درصد؛

۷- دلایل اصلی مهاجرت از نظر این دانشجویان:

الف) ادامه تحصیل ۶۶ درصد؛ (ب) کار: ۲۶/۵ درصد؛

ج) رفاه: ۲۶ درصد؛ (د) تفریح ۲/۵ درصد.

ضرورت و اهمیت شناسایی، پرورش و حفظ استعدادهای درخشان با در نظر گرفتن موفقیت جوانان ایرانی در المپیادهای علمی جهانی و داشتن پتانسیل علمی درخشان برای تبدیل شدن به چهره‌های معروف علمی در سطح کشور و دنیا بر کسی پوشیده نیست. از طرف دیگر قرن بیست و یکم قرن دانایی و آگاهی نام گرفته و نیاز به تمرکز بر روی شناسایی، پرورش و حفظ استعدادهای درخشان بیش از پیش احساس می‌شود به طوریکه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، روان‌شناسان، مسئولین آموزشی در وزارتخانه‌های آموزش و پرورش عالی همه و همه معتقدند در صورتیکه استعدادهای درخشان، افراد تیز هوش و خلاق در کشور هر چه سریعتر شناسایی و برنامه‌ریزی آموزشی مناسب با استعداد آنان تهیه و تدوین شود بهترین و با ارزش‌ترین منافع نصیب کشور خواهد شد. لذا ایجاد یک سیستم و نهاد ویژه‌ای برای جذب، پرورش و حفظ استعدادهای درخشان در سطح آموزش عالی علاوه بر شورای هدایت استعدادهای درخشان در آموزش عالی که در حال حاضر تنها نهاد قانونی موجود در کشور برای رسیدگی به خیل مسایل استعدادهای درخشان است، لازم و ضروری به نظر می‌رسد تا فرایند پرورش آنها در چهارچوب یک برنامه‌ریزی سنجیده، منظم و علمی انجام شود.

